

اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان پسر دبیرستانی

جهانگیر رشیدی^۱، جواد خدادادی سنگده^۲، محسن رضایی آهوانویی^{۳*}

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۴/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان پسر دبیرستانی صورت گرفت.

روش بررسی: روش پژوهش نیمه آزمایشی با استفاده از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری پژوهش متشکل از کلیه مادران دانش آموزان پسر دبیرستانی در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ شهر شهریار بود. نمونه پژوهش را ۳۰ نفر از مادران دانش آموزانی که بیشترین نمره پرخاشگری (AGQ) را کسب کردند، تشکیل می‌داد که به شیوه‌ی نمونه‌گیری داوطلبانه با جایگزینی تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل (هرکدام ۱۵ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه (هر هفته یک جلسه به مدت ۹۰ دقیقه) تحت آموزش قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون t مستقل استفاده شد.

یافته‌ها: آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانشینی باعث کاهش پرخاشگری گروه آزمایش شد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین نمره‌ی کلی پرخاشگری دانش آموزان و ابعاد احساس پرخاشگرانه، فکر پرخاشگرانه و رفتار پرخاشگرانه آنان را بطور معناداری کاهش داده است ($p < 0/05$).

واژگان کلیدی: مهارت‌های ارتباطی، یادگیری جانشینی، پرخاشگری، والدین، دانش آموزان.

مقدمه

پر خاشگری به رفتار قابل مشاهده با قصد آسیب رسانی اطلاق می‌شود (۴)، همچنین می‌توان آن را حالت منفی ذهنی همراه با نقص‌ها و انحرافات شناختی در رفتارهای ناسازگارانه تعریف کرد (۵). از طرفی دوره نوجوانی به علت تغییر و تحولات جسمانی و روانی به دوره‌ای پر کشمکش تلقی می‌شود. در این سن نوجوان جهت رسیدن به هویتی مستقل با موانع خانوادگی و اجتماعی روبرو می‌گردد که این مهم به نوبه‌ی خود می‌تواند موجبات رفتار پر خاشگرانه را فراهم آورد (۶).

پر خاشگری از جمله عاطفی است که در دوره نوجوانی می‌تواند اثرات زیان‌باری را بدنبال داشته باشد. کنترل هیجان خشم از جمله مهارت‌هایی است که هر نوجوانی بدان نیازمند است و عدم توانایی در این زمینه می‌تواند شالوده زندگی فردی و اجتماعی را با خطر مواجه سازد. پر خاشگری به خاطر پیامدهای اثرگذاری که داراست مورد توجه متخصصان و پژوهشگران حوزه‌ی روانشناختی قرار گرفته و رویکردهای متنوعی در ارتباط با آن شکل گرفته است (۷). دیدگاه شناختی - اجتماعی از جمله رویکردهایی است که توجه ویژه‌ای به این رفتار دارد. این رویکرد معتقد است والدین برای فرزندان خود الگوهای رفتاری محسوب می‌شوند، فرزندان

خانواده نخستین مکانی است که فرد در آن رشد می‌کند و می‌آموزد که در محیط‌های مختلف جامعه چگونه رفتار کند. ساختار درونی خانواده و نوع روابط بین والدین و فرزندان بر شکل‌گیری رفتار فرد از جهات گوناگون تأثیرگذار است (۱). عوامل خانوادگی مانند رفتار نادرست والدین، روابط ناکارآمد اعضاء و شیوه‌های تربیتی غلط منجر به رشد و حفظ مشکلات رفتاری اعضاء به ویژه نوجوان می‌گردد (۲). اسمارت (۲۰۰۱) بیان می‌کند که چگونگی تعامل والد - فرزند اغلب به عنوان پیش‌بینی کننده قوی برای مشکلات رفتاری فرزند می‌باشد. با توجه به اینکه رابطه بین والد و فرزند رابطه منحصر به فردی است، در این میان کشمکش، تعارض، نزاع و پر خاشگری میان آن‌ها دور از انتظار نیست و رابطه نامطلوب بین آن‌ها می‌تواند تبعاتی چون پر خاشگری و رفتارهای خشنونت‌آمیز را به دنبال داشته باشد (۳).

۱. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۲. دکتری مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

* (نویسنده مسؤول) Email: Mohsenrezaiee.ir69@yahoo.com

ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران برکاهش رفتار پرخاشگرانه دانش‌آموزان مؤثر است.

روش بررسی

پژوهش حاضر نوعی پژوهش کاربردی است. در این پژوهش از روش نیمه آزمایشی و طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش راکلیه مادران دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ شهر شهریار تشکیل می‌داد. برای انتخاب نمونه ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۳ دبیرستان پسرانه انتخاب و مقیاس پرخاشگری روی همه دانش‌آموزان آن اجرا شد. سپس از بین دانش‌آموزانی که بیشترین نمره را در این مقیاس کسب کرده بودند، از مادران آن‌ها دعوت شد و براساس معیارهای انتخاب مثل داشتن سواد، شاغل نبودن و حداکثر ۳ فرزند داشتن، در نهایت ۳۰ نفر از آن‌ها به صورت داوطلبانه انتخاب و به شیوه تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) جایگزین شدند.

گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت آموزش مهارت‌های ارتباطی قرار گرفتند. یک هفته بعد از جلسه پایانی آموزش به مادران، دانش‌آموزان دو گروه مجدداً مقیاس پرخاشگری را تکمیل کردند. قابل ذکر است که تلاش شد مادران هر دو گروه در متغیرهای سن، وضعیت تحصیلی، تعداد فرزندان و سطح اقتصادی خانواده تا حد امکان همگن باشند.

جهت جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس پرخاشگری (AGQ) استفاده گردید. این مقیاس برای اولین بار در ایران توسط نجاریان و همکاران در سال ۱۳۷۹ در دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته و هنجاریابی شده است (۱۹). این مقیاس شامل ۳۰ گویه است و سه بعد رفتار پرخاشگرانه، فکر پرخاشگرانه و احساس پرخاشگرانه را می‌سنجد. سازندگان ابزار ضمن تأیید روایی صوری مقیاس، جهت تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده کرده و میزان ضریب پایایی ۸۷٪ را برای کل مقیاس و ضریب پایایی ۷۹٪، ۶۴٪ و ۷۱٪ را به ترتیب برای ابعاد احساس پرخاشگرانه، فکر پرخاشگرانه و رفتار پرخاشگرانه بدست آورده‌اند (۱۹). در این پژوهش نیز برای مشخص نمودن ضریب پایایی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج نشان دهنده ضریب ۹۲٪ برای کل مقیاس و ضریب ۷۹٪ برای خرده مقیاس احساس پرخاشگرانه، ضریب ۵۶٪ برای خرده مقیاس فکر پرخاشگرانه و ضریب پایایی ۸۸٪ برای خرده مقیاس رفتار پرخاشگرانه بود.

برنامه آموزشی برطبق یک برنامه از پیش تعیین شده به شرح ذیل اجرا گردید:

جلسه اول: آشنایی و معرفی اعضاء و پژوهشگر با یکدیگر، بیان اهداف، ساختار و قواعد اصلی جلسات و ایجادیک اطمینان و برداشت مثبت از بودن در جلسات.

رفتارهای والدین را مشاهده و سپس تقلید می‌کنند. به بیانی دیگر نوجوانان پرخاشگر، رفتارهای پرخاشگرانه را به وسیله مشاهده والدین پرخاشگر و تقویت مثبتی که برای پرخاشگری در رفتارهایشان به دست می‌آورند، کسب می‌کنند (۸ و ۹).

پایه اصلی نظریه یادگیری اجتماعی این است که اکثر رفتارها به وسیله مشاهده کردن از طریق الگو یادگرفته شده است (۱۰). افراد یک رفتار معین و اطلاعات مربوط به رفتار خوب برای یک موقعیت معین را مشاهده می‌کنند در نتیجه بر اساس آن اطلاعات، رفتارهای معین را انتخاب می‌کنند. این مشاهدات می‌تواند روابط والد-فرزند باشد، به عبارت دیگر فرزند چگونگی تعامل پدر و مادرش با یکدیگر و با خود را مشاهده و این رفتار را به عنوان راهنمایی برای نزدیکی و رابطه با دیگران به کار می‌گیرد (۱۱). مطابق با این رویکرد برای کاهش رفتار پرخاشگرانه فرزندان، لازم است رفتار والدین و کسانی که با کودک در رابطه هستند تغییر کند (۱۲).

شواهد پژوهشی متنوعی از بکارگیری آموزش مهارت‌های ارتباطی در کاهش پرخاشگری و سایر مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان حمایت میکند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که شرکت والدین در برنامه آموزش ارتباطی، میزان پرخاشگری فرزندان را کاهش می‌دهد (۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۳). در پژوهش دیگری، آنا ماری و همکاران (۱۷) نشان دادند آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین در کاهش پرخاشگری، استرس و تعارض والدین و بالا رفتن رفتارهای مطلوب اجتماعی فرزندان نقش معناداری دارد. تیمر، آرکویزا و زیل (۱۸)، در پژوهش خود نشان دادند که برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین می‌تواند مشکلات و بد رفتاری نوجوانان و استرس والدین را کاهش دهد.

با توجه به پژوهش‌های فوق و عملی و اثربخش بودن آموزش مهارت‌های ارتباطی از یک طرف و از طرف دیگر حساسیت دوره نوجوانی، اهمیت ارتباط والد-فرزندی و نقش والدین در کسب نگرش، ارزش و یادگیری رفتارها از طریق مشاهده و تقلید به نظر می‌رسد اجرای این شیوه مؤثر بر روی مادران دانش‌آموزان دبیرستانی ضروری و حائز اهمیت باشد. بر این اساس سعی شده است تا اثربخشی آن در زمینه کاهش پرخاشگری و ابعاد آن مورد ارزیابی قرار بگیرد و درصد پاسخگویی به این سوال است که آیا آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین در کاهش پرخاشگری نوجوانان مؤثر است یا خیر؟

فرضیه‌ها در این پژوهش عبارتند از: ۱- آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران برکاهش پرخاشگری دانش‌آموزان مؤثر است. ۲- آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران برکاهش فکر پرخاشگرانه دانش‌آموزان مؤثر است. ۳- آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران برکاهش حس پرخاشگرانه دانش‌آموزان مؤثر است. ۴- آموزش مهارت‌های

جلسه هشتم: مرور مباحث جلسه‌های قبلی، بیان توجه با احساسات در ارتباط و آموزش سبک ارتباطی قاطعانه، جمع بندی و ختم جلسات.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر میانگین و انحراف معیار سن دانش آموزان به ترتیب برای گروه کنترل ۱۵/۹ و ۱/۴۷ و گروه آزمایش ۱۵/۷ و ۱/۵۸ بود. میانگین و انحراف معیار سن مادران در گروه کنترل ۴۶/۱۲ و ۱/۷۳ و برای گروه آزمایش ۴۵/۸۵ و ۱/۶۴ بود. وضعیت تحصیلی مادران در هر دو گروه همگن و متشکل از ۵ نفر سوم راهنمایی، ۹ نفر دیپلم و ۲ نفر لیسانس بود. تمامی مادران شرکت کننده خانه‌دار و حداکثر دارای سه فرزند بودند. یک هفته پس از اتمام جلسات آموزشی از فرزندان هر دو گروه پس از آزمون به عمل آمد و داده‌ها با استفاده از آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

جلسه دوم: پرداختن به ویژگی‌ها و اهمیت دوره نوجوانی، تشریح مفهوم ارتباط و انواع مشکلات ارتباطی بانمایش قسمتی از یک فیلم، ارائه تکلیف.

جلسه سوم: مرور تکلیف جلسه قبل، تشریح فن حائل‌ها جهت توضیح این موضوع که همه افراد به نوعی باهم در ارتباط هستند و تغییر در یک فرد موجب تغییر در افراد دیگر میشود و و دادن تکلیف مرتبط.

جلسه چهارم: مرور تکلیف جلسه قبل، پرداختن به ارتباط کلامی و غیر کلامی با استفاده از فیلم، آموزش مهارت توجه کردن و حرف زدن و ارائه تکلیف.

جلسه پنجم: مروری بر مباحث و تکلیف جلسه قبل، آشنایی با اهمیت پذیرش و گوش دادن فعال در ارتباط، آموزش نحوه گوش دادن و تمرین آن توسط اعضاء.

جلسه ششم: پرداختن به علل و موانع ارتباط موثر بین والدین و نوجوان، آموزش چگونه برطرف کردن موانع ارتباطی با استفاده از پخش فیلم به عنوان الگو و ارائه تکلیف مرتبط.

جلسه هفتم: مرور تکلیف جلسه گذشته، بیان ویژگی‌های یکیدی رابطه موثر از جمله صداقت، همدلی، صراحت و شفافیت و ارائه مثال با استفاده از فیلم و تمرین آن در گروه.

جدول (۱) مقایسه میانگین‌های دو گروه در پیش آزمون و پس آزمون

متغیر	گروه	پیش آزمون		پس آزمون			
		فراوانی	میانگین	انحراف معیار	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
نمره کلی	آزمایش	۱۵	۵۲/۲۶	۳/۶۷	۱۵	۴۴/۶۶	۳/۳۶
پرخاشگری	کنترل	۱۵	۵۴/۱۳	۴/۱۶	۱۵	۵۳/۴۰	۳/۶۵
احساس	آزمایش	۱۵	۲۲/۰۶	۳/۱۰	۱۵	۱۸/۸۰	۳/۱۲
پرخاشگری	کنترل	۱۵	۲۳/۴۶	۲/۲۰	۱۵	۲۳	۲/۱۱
فکر پرخاشگری	آزمایش	۱۵	۱۴/۶۲	۲/۱۳	۱۵	۱۲/۶۰	۱/۵۵
فکر پرخاشگری	کنترل	۱۵	۱۵/۵۳	۱/۳۶	۱۵	۱۶/۰۹	۱/۱۹
رفتار پرخاشگری	آزمایش	۱۵	۱۸/۲۰	۳/۳۳	۱۵	۱۵/۲۶	۲/۹۷
رفتار پرخاشگری	کنترل	۱۵	۲۱/۱۳	۳/۵۸	۱۵	۲۰/۴۶	۲/۳۷

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری نشان می‌دهد در حالی که در مورد نمرات پیش آزمون این امر صادق نیست.

همان طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات پس آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش تفاوت معناداری نشان می‌دهد در حالی که در مورد نمرات پیش آزمون این امر صادق نیست.

جدول (۲) نتایج آزمون t مستقل بین گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیر پرخاشگری

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	تی محاسبه شده	df	تی بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۱۵	۸/۶۰	۲/۱۲	۴/۱۳	۳/۱۵	۲۸	۱/۷۰۱	۰/۰۵
کنترل	۱۵	۳/۲۶	۳/۰۴	۱/۳۰				

جدول (۱) $t=۱/۷۰۱$ بزرگتر است در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت آموزش مهارت‌های ارتباطی

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، مقدار قدرمطلق t محاسبه شده ($t=۳/۱۵$) با درجه آزادی ۲۸ از مقدار

فرضیه دوم: آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران باعث کاهش میزان احساس پرخاشگری در فرزندان آنها می‌شود.

با الگوی جانشینی به مادران توانسته است میزان پرخاشگری فرزندان آنها را کاهش دهد

جدول (۳) نتایج آزمون t مستقل بین گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیر احساس پرخاشگری

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	تی محاسبه شده	df	تی بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۱۵	۳/۲۶	۳/۴۰	۱/۹۱	۳/۰۹	۲۸	۱/۷۷	۰/۰۵
کنترل	۱۵	۱/۴۶	۲/۰۳	۱/۰۴				

الگوی جانشینی به مادران توانسته است میزان احساس پرخاشگری را در فرزندان آنها کاهش دهد. فرضیه سوم: آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران باعث کاهش فکر پرخاشگری در فرزندان آنها می‌شود.

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار قدر مطلق t محاسبه شده ($t=۳/۰۹$) با درجه آزادی ۲۸ از مقدار t جدول ($t=۱/۷۷۷$) بزرگتر است در نتیجه فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت، آموزش مهارت‌های ارتباطی با

جدول (۴) نتایج آزمون t مستقل بین گروه‌های آزمایش و کنترل در متغیر فکر پرخاشگری

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	تی محاسبه شده	df	تی بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۱۵	۳/۴۰	۲/۱۷	۱/۰۷	۴/۰۶	۲۸	۱/۷۰۱	۰/۰۵
کنترل	۱۵	۱/۴۶	۲/۰۳	۰/۵۲				

ارتباطی با الگوی جانشینی به مادران توانسته است میزان فکر پرخاشگری را در فرزندان آنها را کاهش دهد. فرضیه چهارم: آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران باعث کاهش رفتار پرخاشگری در فرزندان آنها می‌شود.

همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، مقدار قدر مطلق t محاسبه شده ($t=۴/۰۶$) با درجه آزادی ۲۸ از مقدار t جدول ($t=۱/۷۰۱$) بزرگتر است در نتیجه، فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت، آموزش مهارت‌های

جدول شماره (۵) آزمون t مستقل بین گروه‌های آزمایشی در متغیر رفتار پرخاشگری

شاخص‌های آماری گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای معیار	تی محاسبه شده	df	تی بحرانی	سطح معناداری
آزمایش	۱۵	۲/۹۳	۱/۳۲	۲/۰۱	۳/۱۵	۲۸	۱/۷۱۷	۰/۰۵
کنترل	۱۵	۱/۳۳	۱/۸۰	۱/۱۱				

همان طور که در جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، مقدار قدر مطلق t محاسبه شده ($t=۳/۱۵$) با درجه آزادی ۲۸ از مقدار t جدول ($t=۱/۷۱۷$) بزرگتر است. در نتیجه، فرض صفر رد می‌شود و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی جانشینی به مادران توانسته است میزان رفتار پرخاشگری را در فرزندان آنها را کاهش دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به مادران بر کاهش میزان پرخاشگری فرزندان پسر انجام شد. نتایج فرضیه‌های معنادار پژوهش با نتایج پژوهش‌های آناماری و همکاران (۱۷)، اسکو و فیلد (۱۳)، تیمر، آرکویزا و زیل (۱۸)، نصر اصفهانی (۱۴) و نمازی (۱۶) همخوانی دارد.

می‌آید، در جهت مطلوب هدایت کند و با جایگزین نمودن خودارزیابی‌های مثبت، تفکرات درست و منطقی، به جای تفکرات و برداشت‌های غیرمنطقی، به صورت مستقیم در والدین و به شکل غیرمستقیم در فرزندان (مشاهده رفتار والدین خویش)، به کاهش فکر پرخاشگرانه بیانجامد.

فرضیه پایانی پژوهش نیز مورد تایید قرار گرفت و نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی به مادران، به طور معناداری رفتار پرخاشگری فرزندان آن‌ها را کاهش داده است. در تبیین این یافته می‌توان گفت، بسیاری از رفتارهای افراد در اثر مشاهده شکل می‌گیرد. افراد معمولاً رفتار معینی را تقلید می‌کنند که به آن پاداش تعلق گرفته باشد. رفتار پرخاشگرانه رفتاری است که یاد گرفته شده است و در نتیجه می‌توان آن را دوباره در اثر تجربه‌های یادگیری تغییر داد (۲۴). آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین منجر به تغییر رفتارهای آن‌ها در محیط خانه می‌شود و از آن‌جا که والدین برای فرزندان خود نقش سرمشق و الگو را دارا می‌باشند، هرگونه تغییری در رفتار آن‌ها می‌تواند به تغییر متقابل فرزندان آن‌ها بیانجامد. در برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی، به والدین آموزش داده می‌شود تا راه رفتار مؤثر را بیاموزند و آن را در محیط پویای خانواده به کار گیرند تا مشکلات رفتاری نوجوان از جمله رفتار پرخاشگرانه را از طریق الگودهی کاهش دهند. بنابراین انتظار می‌رود که آموزش مهارت ارتباطی به شیوه یادگیری جانشینی بتواند از طریق تصحیح ارتباط مادر- فرزند به کاهش رفتار پرخاشگری منجر شود.

پژوهش حاضر به دلیل فقدان دوره پیگیری جهت ارزیابی میزان تداوم اثر درمانی، خودگزارشی بودن ابزار اندازه‌گیری و عدم برخورداری گروه کنترل از جلسات مشاوره معمولی به منظور حذف اثر انتظار گروه‌درمانی که به دلیل محدودیت وقت و امکانات میسر نبود، با محدودیت روبه روست به این خاطر در تعمیم نتایج می‌بایست احتیاط صورت گیرد.

نتایج این تحقیق می‌تواند جهت کمک به والدین و کاهش مشکلات رفتاری نوجوانان، راهگشای مشاوران و روانشناسان به ویژه مشاوران مدارس باشد.

تضاد منافع

تضاد منافی وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

گروه پژوهشی بر خود لازم می‌داند از تمامی بزرگوارانی که در انجام پژوهش حاضر به نحوی همکاری داشتند، کمال تشکر را داشته باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار گرفت. در تبیین این یافته می‌توان گفت، رابطه مادر- پسر یکی از پویاترین نوع روابط خانوادگی است که می‌تواند مملو از تعارض و کشمکش باشد. به ویژه در دوره دبیرستان این کشمکش به دلیل نداشتن مهارت‌های ارتباطی ضعیف مادران در خانواده زیادتر می‌شود (۲۰). شواهد حاکی از آن است که اغلب نوجوانان پرخاشگر متعلق به خانواده‌هایی می‌باشند که والدین آن‌ها فاقد مهارت‌های ارتباطی مناسب برای ارتباط با فرزندان هستند. از طرف دیگر طبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا پرخاشگری رفتار آموخته شده است و نوجوانان از طریق تقلید و مشاهده رفتار اطرافیان از جمله والدین این رفتار ناکارآمد را یاد می‌گیرند (۲۱). از آنجا که پرخاشگری نتیجه الگوگیری و تقلید از والدین به ویژه در محیط خانه می‌باشد، پس منطقی به نظر می‌رسد آموزش مهارت‌های ارتباطی با الگوی یادگیری جانشینی به والدین بتواند از بروز رفتارهای پرخاشگرانه جلوگیری و به کاهش این رفتار در نوجوانان بیانجامد، زیرا که نوجوانان در ارتباط با والدین خویش نحوه ارتباط صحیح و موثر را آموخته و آن را در سایر موقعیت‌ها به کار می‌گیرند.

فرضیه دوم پژوهش مورد تایید قرار گرفت. در تبیین این یافته می‌توان گفت، خانواده یک واحد عاطفی محسوب می‌شود که اعضای آن به لحاظ هیجانی و عاطفی به هم پیوسته‌اند و نوع احساسات و عواطف اعضا بر هم تاثیر متقابل دارد. مدیریت صحیح احساسات و عواطف از طرف والدین می‌تواند به فرزندان از طریق الگوگیری منتقل شود (۲۲). بنابراین می‌توان انتظار داشت که پرخاشگری به عنوان یکی از هیجانات منفی، در اثر آموزش‌های مؤثر قابل کاهش یا کنترل باشد و اگر والدین مهارت‌های مناسب برای برقراری ارتباط را بیاموزند، می‌توانند کنترل عواطف و احساسات را به خوبی برای فرزندان خود الگوسازی نمایند. آموزش مهارت‌های ارتباطی و نحوه الگودهی مناسب به والدین در جلسات آموزشی تاثیر چشم‌گیری در این زمینه داشته است.

در مورد فرضیه سوم پژوهش، نتایج آزمون اثر این برنامه را بر کاهش معنادار فکر پرخاشگرانه تایید می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت، خشم از جمله عواطفی است که افکار نقش مهمی در شکل‌گیری و بروز آن دارد. سوکودلسکی^۱ و همکاران (۲۳)، معتقدند که پرخاشگری حالت منفی ذهنی همراه با نقص‌ها و انحرافات شناختی و رفتارهای ناسازگارانه است و نگرش و ادراک ذهنی فرد نسبت به رفتار دیگران و اتفاقات پیش آمده نقش بسیار مهمی در بروز رفتارهای پرخاشگرانه دارد و از طرفی کنترل افکار می‌تواند به فرونشانی و کاهش اثرات منفی هیجان خشم کمک کند (۱۹). بنابراین انتظار می‌رود که آموزش مهارت‌های ارتباطی از طریق این رویکرد می‌تواند نوع برداشت، تفکرات و نگرش فرد را در قبال کنش دیگران و مسایلی که در زندگی روزانه پیش

References:

1. Gimpel GA, Holland MM. Treatment of internalizing problems. Emotional and behavioral problems of young children: Effective interventions in the preschool and kindergarten years. 2003; 12(3): 86-113.
2. Sanders MR. Triple P-Positive Parenting Program: A population approach to promoting competent parenting. Australian e-journal for the Advancement of Mental Health. 2003; 2(3): 127-143.
3. Riesch SK, Jackson NM, Chanchong W. Communication approaches to parent-child conflict: young adolescence to young adult. Journal of pediatric nursing. 2003; 18(4): 244-256.
4. Vecchio TD, O'Leary KD. Effectiveness of anger treatments for specific anger problems: A meta-analysis review. Journal of clinical psychological. 2003; 24(2): 15-34.
5. Suter JM, Byrne MK, Byrne S, Howells K, Day A. Anger in prisoners: women are different from men. Journal of personality and individual differences. 2002; 32 (3): 1087-1100.
6. Parry TS. Assessment of developmental learning and behavioral problems in children and young people. Med J Aust. 2005; 183(1): 43-48.
7. Disgiuseppe R, Chip R. Aggression in adolescents. J Clin Psychol. 2003; 10 (2): 254-260.
8. Vitaro F, Brendgen M, Tremblay RE. Reactively and proactively aggressive children: antecedent and subsequent characteristics. Journal of Child Psychology and Psychiatry. 2002; 43(4): 495-505.
9. Pellegrini AD, Long JD. A longitudinal study of bullying, dominance, and victimization during the transition from primary school through secondary school. British Journal of Developmental psychology. 2002; 20 (4): 259-280.
10. Bandura A. Social cognitive theory: An agentic perspective. Annual review of psychology. 2001;52(1):1-26.
11. Lotfi M. Effectiveness of communication skills training for parents with learning substitution pattern on improving mother-daughter relationships in third grade middle school female students in Babol (Dissertation). Allameh Tabataba'i University; 2010. [Persian].
12. Shafi-Abadi A. Guidance and counseling children, content and applications. Samt Publication, Tehran; 2004. [Persian].
13. Askew C, Field A. P. Vicarious learning and the development of fears in childhood. Behaviour Research and Therapy. 2007; 45(11): 2616-2627.
14. Nasr-Isfahani M. Compare the effectiveness of social skills training and educating parents on aggression in boys with conduct disorder in elementary school in Isfahan (Dissertation). Isfahan University. 2009. [Persian].
15. Tahmasebian M. Effective parent communication skills in order to increase desired behaviors and decrease undesired behaviors in children (Dissertation). Tehran University. 1994. [Persian].
16. Namazi Mahmood-Abadi M. The effectiveness of behavior change principles and techniques to parents in modulating aggression in children (Dissertation).

- Allameh Tabatabaie University. 1998. [Persian].
16. Levac AM, McCay E, Merka P, Reddon-D'Arcy ML. Exploring parent participation in a parent training program for children's aggression: Understanding and illuminating mechanisms of change. *Journal of child and adolescent psychiatric nursing*. 2008; 21(2): 78-88.
17. Timmer SG, Urquiza AJ, Zebell NM. Parent-child interaction therapy: application to maltreating parent-child dyads. *Child Abuse & Neglect*. 2005; 29(7): 825-842.
18. Rafezi Z. The Effectiveness of anger control training in adolescents aggression High schools in Tehran (Dissertation). University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences. 2004. [Persian].
19. Scott TMW. Mother-daughter connection: Evaluating familial relationships and their influence on female perceptions of success: University of Arkansas; 2007.
20. Shokuhi Y, Parand A. Behavioral disorders in children and adolescents. Tehran, Tabib Publication; 2005. [Persian].
21. Ayvazi A. Examine the mothers' parenting styles with Their aggressive children (dissertation). Allameh Tabatabaie University. 1999. [Persian].
22. Sukhodolsky DG, Kassinove H, Gorman BS. Cognitive-behavioral therapy for anger in children and adolescents. A meta-analysis, *Aggression and violent Behavior*. 2004; 9(3): 247-269.
23. Schmuck P, Vlek C. Psychologists can do much to support sustainable development. *European Psychologist*. 2003;8(2):66.